

الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان

Patterns of Family Communication and Personality

Variables among College Students

Safoora Sepehri
PhD Candidate
Shahid Beheshti University

Mohammad Ali Mazaheri, PhD
Shahid Beheshti University

دکتر محمدعلی مظاهری
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

صفورا سپهری
دانشجوی دکتری
دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

پژوهش حاضر رابطه دو الگوی ارتباطی خانواده (الگوهای گفت‌و شنود و هم‌نواپی) با حرمت خود، کم‌رویی و درجه تمایل به مهار را بررسی کرد. صدونودوچهار (۹۷ دختر و ۹۷ پسر) دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی ترجمه فارسی مقیاس تجدیدنظر شده الگوی ارتباطی خانواده (ریچی و فیتز پاتریک، ۱۹۹۰)، پرسشنامه تمایل به مهار (برگر و کوپر، ۱۹۷۹)، پرسشنامه حرمت خود (روزنبرگ، ۱۹۶۵) و مقیاس تجدیدنظر شده کم‌رویی (چیک و باس، ۱۹۸۳) را تکمیل کردند. تحلیل همبستگی‌های بنیادی نشان داد افرادی که الگوی ارتباطی گفت‌و شنود را در خانواده گزارش کرده بودند، برای مهار وقایع روزمره زندگی تمایل بیشتری داشتند، در حرمت خود نمره‌های بالاتر و در کم‌رویی نمره‌های پایین‌تری به دست آوردند. الگوی ارتباطی هم‌نواپی به طور معناداری با حرمت خود و تمایل به مهار همبستگی منفی و با کم‌رویی همبستگی مثبت نشان داد.

واژه‌های کلیدی: الگوی ارتباطی خانواده، گفت‌و شنود، هم‌نواپی، حرمت خود، کم‌رویی، تمایل به مهار.

Abstract

The present research investigated the relationship between two patterns of family communication (including conversational and conformity patterns) with self-esteem, shyness, and the desirability of control. One hundred ninety four students (97 females, 97 males) at Shahid Beheshti university completed Persian translations of the Ritchie Revised Family Communication Pattern (Ritchie, 1991), the Desirability of Control Questionnaire (Burger & Cooper, 1979), the Self-Esteem Questionnaire (Rosenberg, 1965) and the Revised Cheek and Buss Shyness Scale (Cheek & Buss, 1983). Canonical correlation analysis determined that the persons who reported a conversational communication pattern in their family had more desire for control over events occurring in one's life and obtained higher scores in the self-esteem and lower scores in shyness. Conformity communication pattern was significantly correlated with self-esteem and the desirability of control (negatively) and shyness (positively).

Key words: Family Communication Pattern, conversation, conformity, self-esteem, shyness, desirability of control.

مقدمه

مرحله تحولی که بین سنین ۱۸ تا ۲۵ قرار دارد به لحاظ نظری و عملی از دوره‌های نوجوانی و اوایل بزرگسالی مجزا است (آرنت، ۲۰۰۰). در این دوران فرد نوجوانی را پشت سر گذاشته، اما هنوز وارد مرحله بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی نشده است. بسیاری از افراد در این وهله از زندگی خود مشغول به تحصیل در دانشگاه هستند. فرد با ورود به دانشگاه با دنیای اجتماعی بزرگتری روبرو می‌شود، او که تا دیروز دنیا را از دریچه چشم والدین می‌دید، امروز می‌خواهد خود دست به تجربه بزند. جوان در این دوره سنی درباره همه مسائل اظهار نظر می‌کند، عقیده خود را ارزشمند می‌داند و به مخالفت با والدین و جامعه بر می‌خیزد. او که تاکنون با تکیه بر والدین به جلو گام برمی‌داشت، امروز قصد استقلال کرده، دوست دارد همه چیز را تحت مهار خود در آورد و اینها همه، هر چند همراه با اشتباه، لازمه ورود به دنیای بزرگسالی است، زیرا اگر فرد بزرگسال نتواند عقیده خود را در موقعیتهای مختلف بیان و اوضاع زندگی را در شرایط دشوار مهار کند و به تواناییهای خود نیز اعتماد نداشته باشد، مسلماً با مشکل مواجه می‌شود و هیچ‌گاه فرد موفق نخواهد بود. به بیان دیگر، جوان در همین کشمکشهای خود با بزرگسالان، سعی می‌کند به فردی اجتماعی تبدیل شود که از سطح بالای حرمت خود^۱ برخوردار است، ارزشمند و تواناست و توان مهار اوضاع و شرایط را دارد. در همین راستا یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند به فرد کمک کند، نوع تعامل با والدین است، زیرا این والدین هستند که می‌توانند اوضاع را تسهیل یا دشوار نمایند. بر همین اساس می‌توان به بررسی ویژگیهای شخصیتی حرمت خود، تمایل به مهار^۲ و کمرویی^۳ یا جامعه‌طلبی^۴ در اواخر نوجوانی و بعد از آن و تأثیری که نوع ارتباط اعضای خانواده بر شکل‌گیری این ویژگیها دارند، اهمیت بسزایی دارد. حرمت خود همان احساس توانایی و ارزشمندی است که فرد درک می‌کند، روزنبرگ

(۱۹۶۵)، حرمت خود را این طور تعریف می‌کند: «ارزشیابی که فرد از خود دارد و به طور عادی با توجه به خود از آن حمایت می‌نماید». کوپر اسمیت (۱۹۶۷، ۲۰۰۲) حرمت خود را «قضاوت شخصی از شایستگی خود» دانسته است. ارتباط این سازه با متغیرهایی چون عملکرد تحصیلی، هوش و دیگر متغیرهای شخصیتی مورد بررسی قرار گرفته است. افراد با حرمت خود بالا در انجام تکالیف موفق‌تر و مستقل‌تر هستند و از یک نوع هدایت خود^۵ استفاده می‌کنند (هارتر، ۱۹۹۳؛ هارتر و وایت‌سل، ۲۰۰۳). همچنین افرادی که حرمت خود پایینی دارند، معمولاً از اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، حس بی‌هودگی^۶ و انحراف اجتماعی^۷ رنج می‌برند (مراک، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۶).

تمایل به مهار که از دیگر سازه‌های شخصیتی است، به انگیزه افراد جهت مهار وقایعی که در زندگی‌شان اتفاق می‌افتد، اشاره دارد (برگر، ۱۹۸۶). بنا به نظر برگر و کوپر (۱۹۷۹)، افرادی که تمایل به مهار بالا دارند با صفت‌های قاطع، جدی و فعال توصیف می‌شوند و معمولاً به دنبال گرفتن نقش رهبری در موقعیتهای گروهی هستند. برعکس افرادی که تمایل به مهار در آنها اندک است، دودل، غیر قاطع و فعل‌پذیر^۸ هستند. آنها کمتر تمایل دارند تا بر دیگران تأثیر بگذارند و بیشتر ترجیح می‌دهند، دریافت‌کننده دستورها باشند تا اینکه به دیگران دستور بدهند. افرادی که نمره بالایی در این سازه دریافت می‌کنند شبیه افرادی هستند که انگیزه‌های درونی دارند؛ کسانی که معتقدند مهار زندگی خود را در دست دارند، در جهت رسیدن به هدف‌های خود بسیار تلاش می‌کنند و خود را مسئول وقایع زندگی می‌دانند. پژوهشها نشان داده‌اند، این افراد در زمینه تحصیلی عملکرد بهتری دارند و در جستجوی اطلاعات و دانش فعالتر هستند و بیشتر از بقیه به شرکت در فعالیتهای و حرکت‌های اجتماعی علاقه نشان می‌دهند. منظور از کمرویی ناتوانی در بیان افکار و احساسهاست. کمرویی و جامعه‌طلبی در واقع رایجترین ویژگیهایی است که مردم از آنها برای قضاوت در مورد شخصیت افراد

1. self-esteem
2. desirability of control
3. shyness

4. sociability
5. self-guidance
6. ineffectiveness

7. social deviance
8. passive

خانواده بر میزان خشونت‌طلبی فرزندان و علاقه آنان به سیاست و امور سیاسی تأثیر به‌سزایی دارند (لیبس و ریباک، ۱۹۹۲)، همچنین یک ردیف تحقیقات هم اثر الگوهای ارتباطی خانوادگی بر نحوه و میزان استفاده از رسانه، تفسیر محتوای آن، رفتار مصرف‌کننده و مصرف‌گرایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند (کومایا و بویر، ۲۰۰۰؛ چو و چئون، ۲۰۰۵). بنابراین همان‌طور که دیده می‌شود، اکثر پژوهشها بر نتایج رفتاری و بازخورد افراد متمرکز بوده‌اند و مطالعات اندکی در زمینه تأثیر الگوهای ارتباطی بر تحول ویژگیهای شخصیتی افراد صورت گرفته‌اند.

در مدل اولیه الگوهای ارتباطی خانواده دو بعد جهت‌گیری اجتماعی^۳ و جهت‌گیری مفهومی^۴ معرفی شد (مک‌لئود و چافی، ۱۹۷۲) که در فرم تجدیدنظر شده (ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰، کرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)، به دو بعد جهت‌گیری هم‌نوایی^۵ و جهت‌گیری گفت‌و شنود^۶ تغییر نام دادند. جهت‌گیری هم‌نوایی به هماهنگی بین اعضای خانواده و اجتناب از تعارضها و مجادله‌ها اشاره دارد؛ در حالی که در جهت‌گیری گفت‌و شنود فرزندان تشویق می‌شوند تا در مورد مسائل مختلف فکر کنند و به بحث بپردازند. براساس ترکیب این دو بعد، ۴ نوع خانواده تعریف می‌شود: خانواده‌های کثرت‌گرا^۷ که نمره بالایی در جهت‌گیری گفت‌و شنود و نمره پایینی در جهت‌گیری هم‌نوایی کسب می‌کنند. این نوع خانواده‌ها فرزندان خود را تشویق می‌کنند تا عقاید خود را بیان کنند و از تنبیه نترسند. خانواده‌های حمایت‌کننده^۸ برعکس نمره بالایی در جهت‌گیری هم‌نوایی و نمره پایینی در جهت‌گیری گفت‌و شنود به‌دست می‌آورند. این نوع والدین تأکید زیادی بر اطاعت و حفظ هماهنگی بین اعضای خانواده دارند، ولی نسبت به تفکر و بحث و گفتگو در مورد مسائل مختلف علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. مدل سوم، خانواده‌های توافق‌کننده^۹ هستند که در هر دو بعد نمره بالایی کسب می‌کنند. در این حالت، فرزندان اجازه دارند تا زمانی که هماهنگی درونی خانواده به خطر نیفتد به بیان عقاید

استفاده می‌کنند. جامعه‌طلبی به معنای «گرایش به آشناسدن با دیگر افراد و بودن در کنار بقیه به جای تنهاماندن» است (چیک و باس، ۱۹۸۱). کمرویی، گرایش به احساس ناراحتی، تنش یا ناشی‌گری در تعامل با افراد غریبه یا آشنایانی است که فرد به‌طور اتفاقی با آنان روبرو می‌شود (چیک و باس، ۱۹۸۱). تفاوت بین کمرویی و جامعه‌طلبی شبیه تفاوت بین درون‌گردی و برون‌گردی است (یونگ، ۱۹۷۱). افراد برون‌گرد، سرزنده، بیانگر^۱، اجتماعی و دوستانه هستند و از موقعیتهای جدید و شور و تحرک استقبال می‌کنند؛ در حالی که افراد درون‌گرد، ساکت، کمرو و تکانشی^۲ هستند. بنابراین برقراری ارتباط برای برون‌گردها آسانتر از درون‌گردهاست. در پژوهشهای انجام شده رابطه برون‌گردی و درون‌گردی با محاوره، حافظه و سبکهای پردازش اطلاعات مورد بررسی قرار گرفته است. برون‌گردها در محاوره‌هایشان بشاش و خوش‌رو هستند و وقت خود را بیشتر برای فعالیتهای فوق برنامه، خانه و خانواده و دیگر افراد صرف می‌کنند، در حالی که درون‌گردها در محاوره‌ها جدی‌تر، محتاط‌تر و کم‌روتر هستند و وقت خود را صرف تحصیل یا کار می‌کنند (تورن، ۱۹۸۷). افزون بر این، برون‌گردها در یادآوری اطلاعات شخصی افراد از جمله اسم کوچک بهتر عمل می‌کنند؛ در حالی که درون‌گردها در یادآوری اطلاعات غیرشخصی و عینی مثل اعداد برتری دارند (کارلسون، ۱۹۸۰). حال باید دید نحوه تعامل فرد با والدین چگونه بر این سازه‌ها اثر می‌گذارد. پژوهشها در حوزه ارتباطی خانوادگی نشان می‌دهند، نحوه ارتباطی بین اعضای خانواده در هنگام تبادل اطلاعات بین آنان، تأثیر بسزایی در بازخوردها و رفتارهای فرزندان دارد. در همین راستا الگوهای ارتباطی خانواده (چافی، مک‌لئود و واکمن، ۱۹۷۳) که در آغاز برای بررسی آثار جوّ سیاسی - اجتماعی بر خانواده طرح‌ریزی شده بودند، در طول دو دهه اخیر به عنوان ابزاری برای تعیین تأثیر الگوی ارتباطی والدین مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پژوهشهای انجام شده نشان داده‌اند، الگوهای ارتباطی

1. expressive
2. impulsive
3. socio-orientation

4. concept-orientation
5. conformity-orientation
6. conversation-orientation

7. pluralistic
8. protective
9. consensual

خود پردازند. بالاخره خانواده‌های به حال خود واگذارنده^۱ هم‌نوايي و گفت‌وشنود را تشويق نمي‌کنند. در اين نوع خانواده‌ها فرزندان بسيار کم با والدين خود به گفتگو مي‌پردازند و به‌طور کلي ارتباط بين اعضا بسيار پايين است.

پژوهشها نشان داده‌اند، والديني که نسبت به فرزندان خود بي‌اعتنا يا معمولاً غايب هستند، اغلب کودکانی با سطح پايين حرمت خود، دارند (کوپر اسميت، ۱۹۶۷). همچنين والديني که سبک فرزندپروري آزادمنشانه دارند نسبت به والدين مستبد، بيشتري مستعد پرورش فرزندان با سطح بالاي حرمت خود هستند (کوپر اسميت، ۱۹۶۷). بر اين اساس مي‌توان انتظار داشت که سطح بالاي حرمت خود در ميان خانواده‌هاي با جهت‌گيري گفت‌وشنود ديده شود. همچنين از آنجا که خانواده‌هاي با جهت‌گيري گفت‌وشنود، طرفدار گفتگوي آزاد بين اعضا هستند و از استقلال فرزندان حمايت مي‌کنند، افرادي که در اين خانواده‌ها هستند بايد بيشتري از بقيه تمايل به مهارگري داشته باشند. بالاخره براساس تعريف کمروبي و تبعات آن، به نظر مي‌رسد رابطه مثبتي بين جهت‌گيري گفت‌وشنود با جامعه‌طلبي و جهت‌گيري هم‌نوايي با کمروبي وجود داشته باشد. بنابر اين در اين پژوهش کوشش شده است تا به پرسشي که در پي مي‌آيد، پاسخ داده شود: آيا بين الگوهاي ارتباطي خانواده با متغيرهاي شخصيتي حرمت خود، تمايل به مهار خود و کمروبي رابطه وجود دارد؟

روش

شرکت‌کنندگان در پژوهش ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شهيد بهشتي بودند که پرسشنامه ۶ نفر به علت ناقص بودن کنار گذاشته شد. در نهايت ۱۹۴ دانشجو (۹۷ دختر و ۹۷ پسر) از دانشجویان دانشکده‌هاي مهندسي (۵۰ نفر)، علوم (۳۸ نفر)، روان‌شناسي و علوم تربيتي (۴۸ نفر) و ادبيات و علوم انساني (۵۸ نفر) بررسي شدند. دامنه سني بين ۱۸ تا ۳۳ سال و ميانگين و انحراف

استاندارد آن به ترتيب برابر با ۲۲ و ۳ بود.

مقياس تجديدنظر شده الگوهاي ارتباطي خانواده^۲

(RFCP، ريچي و فيتزپاتريک، ۱۹۹۰)، در اين مقياس شرکت‌کنندگان ۲۶ گويه را که مربوط به شيوه ارتباط در خانواده است مي‌خوانند و مشخص مي‌کنند که هر جمله تا چه حد در مورد آنان صدق مي‌کند. اين مقياس، دو بعد گفت‌وشنود (۱۵ گويه اول «والدين مرا تشويق مي‌کنند تا احساساتم را بيان کنم») و هم‌نوايي (۱۱ گويه بعدي «اغلب پدر و مادرم چيزهايي مثل اين مي‌گويند: عقیده و نظر من درست است و تو نبايد در مورد آن چون و چرا کنی» وجود دارد) ارتباطهاي خانواده را در طيف ۵ امتيازي ليکرت از کاملاً شبیه (نمره ۵) تا کاملاً متفاوت (نمره ۱) اندازه‌گيري مي‌کند. کورش نيا (۱۳۸۶) نسخه فارسي مقياس روايي را مطلوب و ضريب آلفاي کرونباخ را براي جهت‌گيري گفت‌وشنود و هم‌نوايي به ترتيب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش کرده است.

در پژوهش حاضر روايي مقياس با استفاده از روش تحليل عاملي به شيوه مؤلفه‌هاي اصلي بررسي و مشخص شد. مجموعه گويه‌هاي مقياس روي هم در حدود ۵۵ درصد واريانس را تبیین مي‌کرد. همچنين ضريب آلفاي کرونباخ دو بعد هم‌نوايي و گفت‌وشنود به ترتيب برابر با ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بود.*

مقياس تمايل به مهار^۳ (برگر و کوپر، ۱۹۷۹)، انگيزه

افراد را براي مهار واقعي که در زندگي اتفاق مي‌افتد، با ۲۰ گويه در طيف ۷ امتيازي، از هميشه در مورد من صدق مي‌کند (نمره ۷) تا هيچگاه در مورد من صدق نمي‌کند (نمره ۱)، اندازه‌گيري مي‌کند. ميانگين و انحراف استاندارد نمره کل اين مقياس براي دانشجویان به ترتيب برابر با ۱۰۰ و ۱۰ بوده است. هر چه نمره فرد در مقياس بالاتر باشد، احساس نياز او به مهار وقايع در زندگي بيشتري خواهد بود. در تحقيق حاضر اين مقياس به فارسي ترجمه و اعتبار آن بر پايه ضريب آلفاي کرونباخ برابر با ۰/۷۴ به دست آمد. بررسي روايي عاملي مقياس، واريانس تبیین شده را برابر با ۴۶/۳۷ برآورد و تک عاملي بودن

1. laissez-faire

2. Revised Family Communication Patterns

3. Desirability of Control Scale

* گويه ۱ به علت همبستگي ضعيف با کل مقياس حذف شد.

بین الگوهای ارتباطی با سه ویژگی شخصیتی تمایل به مهار، حرمت خود و کمرویی از روش تحلیل همبستگی بنیادی استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده و نشان می‌دهند گفت‌وشنود با همنوایی و کمرویی رابطه منفی معنادار و با تمایل به مهار و حرمت خود رابطه مثبت معنادار دارد. همنوایی نیز با حرمت خود رابطه منفی و با کمرویی رابطه مثبت معنادار دارد. نتایج همبستگی بنیادین متغیرهای الگوهای ارتباطی (دسته اول) و متغیرهای شخصیتی (دسته دوم) مشخص کردند که اولین همبستگی برابر با ۰/۴۶ و تبیین کننده ۲۱/۲ درصد واریانس مشترک، بین الگوهای ارتباطی با سه متغیر شخصیتی است. دومین همبستگی بنیادی برابر با ۰/۱۴ و تنها ۰/۰۲ درصد واریانس دو مجموعه را تبیین می‌کند. چون تنها همبستگی بنیادی نخستین معنادار بود، فقط بارهای بنیادی^۳ و ضرایب بنیادی^۴ نمره‌های الگوهای ارتباطی و متغیرهای شخصیتی بر اولین متغیر بنیادی منعکس شده‌اند (جدول ۲ و شکل ۱).

آن را نیز تأیید کرد.

مقیاس حرمت خود^۱ (روزنبرگ، ۱۹۶۵) شامل ۱۰ گویه است که در طیف ۴ امتیازی از کاملاً موافقم (نمره ۴) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) نمره‌گذاری می‌شود. هر چه نمره فرد بالاتر باشد میزان حرمت خود او بیشتر خواهد بود. در این پژوهش ضریب اعتبار مقیاس بر پایه آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ به دست آمد*. نتایج تحلیل عاملی، تک عاملی بودن مقیاس را تأیید و واریانس تبیین شده در حدود ۵۳ درصد برآورد شد.

مقیاس تجدیدنظر شده کمرویی چیک و باس^۲ (RCBS، چیک، ۱۹۸۳)، دارای ۱۳ گویه است که در یک طیف ۵ امتیازی از به شدت موافقم (نمره ۵) تا به شدت مخالفم (نمره ۱) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر به معنای کمرویی بیشتر است. چیک (۱۹۸۳) میانگین کمرویی در دانشجویان دختر و پسر را به ترتیب برابر با ۳۲/۴ و ۳۳/۳ و ضریب آلفای کرونباخ را برابر با ۰/۹۰ به دست آورد. در تحقیق حاضر میانگین کمرویی برای دختران ۲۸/۷۵ و برای پسران ۳۱/۶۴ و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۸ به دست آمد*. تحلیل عاملی، تک عاملی بودن مقیاس را تأیید و واریانس کل را در حدود ۵۰ درصد برآورد کرد. در این پژوهش به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه

جدول ۱.
میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴
الگوهای ارتباطی						
۱. گفت‌وشنود	۴۷/۳۶	۱۱/۴۲	—			
۲. همنوایی	۲۶/۰۷	۹/۶۲	۰/۳۵**	—		
ویژگیهای شخصیتی						
۳. تمایل به مهار	۹۹/۲۳	۱۲/۶۶	۰/۲۳**	۰/۰۷	—	
۴. حرمت خود	۲۸/۲۶	۴/۹۸	۰/۳۶**	۰/۳۴**	۰/۲۰**	—
۵. کمرویی	۳۰/۲۰	۹/۶۸	۰/۳۷**	۰/۲۴**	۰/۱۹**	۰/۴۷**

** $P < 0.01$.

1. Self-Esteem Scale
2. Revised Cheek And Buss Shyness Scale

3. canonical loading
4. canonical coefficients

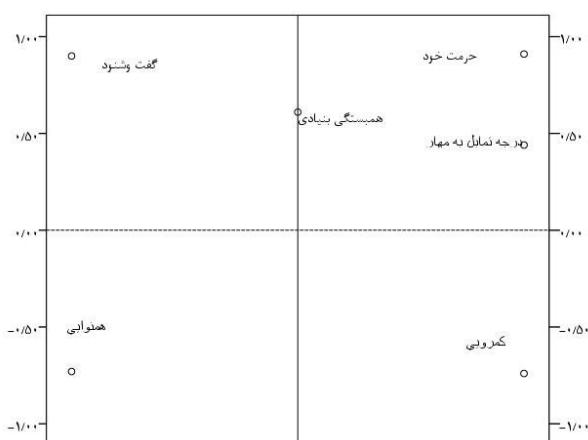
* گویه ۸ به علت همبستگی ضعیف با کل مقیاس حذف شد.

** گویه ۹ به علت همبستگی ضعیف با کل مقیاس حذف شد.

جدول ۲.

بارها و ضرایب نمره‌های بنیادی الگوهای ارتباطی و متغیرهای شخصیتی

متغیرها	بار بنیادی	ضریب بنیادی
الگوهای ارتباطی		
گفت‌وشنود	۰/۹۰	۰/۷۳
همنوایی	-۰/۷۳	-۰/۴۷
ویژگیهای شخصیتی		
حرمت خود	۰/۹۱	۰/۶۸
تمایل به مهار	۰/۴۴	۰/۲۳
کمرویی	-۰/۷۴	-۰/۳۸



شکل ۱. بارهای بنیادی الگوهای ارتباطی و ویژگیهای شخصیتی

متغیر الگوهای ارتباطی حاصل ترکیب خطی گفت‌وشنود- شنود به صورت مثبت و همنوایی به صورت منفی اما قدرت رابطه گفت‌وشنود بیشتر بود. متغیر ویژگیهای شخصیتی نیز حاصل ترکیب خطی حرمت خود و تمایل به مهار خود به صورت مثبت و کمرویی به صورت منفی بود اما حرمت خود سهم بیشتری در آن داشت.

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر همسو با پژوهش هوآنگ (۱۹۹۹) نشان‌دهنده تأثیر شیوه الگوهای ارتباطی در خانواده بر جنبه‌های مهم شخصیت هستند. در واقع دانشجویان برحسب نوع تعامل خود با والدین، دارای حرمت خود، تمایل به مهار اوضاع و روابط اجتماعی متفاوتی بودند؛

به‌طوریکه دانشجویانی که در جوّ خانوادگی با گفت‌وشنود بالا و همنوایی پایین زندگی می‌کردند، از سطح بالای حرمت خود و تمایل به مهارگری بیشتر برخوردار بودند اما دانشجویانی که در جوّ خانوادگی با گفت‌وشنود پایین و همنوایی بالا زندگی می‌کردند، افرادی کمرو با حرمت خود پایین و تمایل به مهار پایین بودند.

این مسئله نشان می‌دهد، خانواده‌هایی که فرزندان را تشویق می‌کنند تا در مورد مسائل مختلف به تفکر و بحث بپردازند و از تأکید بیش از حد بر همنوایی نیز پرهیز می‌کنند، زمینه افزایش سطح حرمت خود در فرزندان را فراهم می‌کنند و برعکس خانواده‌هایی که بر هماهنگی بین اعضای خانواده و اجتناب از تعارضها و مجادله‌ها تأکید دارند و از بحث و ابراز عقیده در مورد مسائل مختلف جلوگیری می‌کنند، باعث کاهش سطح حرمت خود در فرزندان می‌شوند. در واقع به نظر می‌رسد خانواده‌های کثرت‌گرا بستر مناسبی برای شکل‌گیری حرمت خود مهیا می‌سازند و در مقابل خانواده‌های حمایت‌کننده موانع جدی در برابر گسترش حرمت خود فرزندان ایجاد می‌کنند. ارسلان (۲۰۰۹)، اظهار می‌کند، بین حمایت اجتماعی که نوجوان از سوی خانواده ادراک می‌کند و حرمت خود رابطه مثبت وجود دارد، در واقع نوجوانی که حس می‌کند از سوی خانواده مورد پذیرش است و تحسین می‌شود، حرمت خود بالایی را تجربه می‌کند. براساس پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت، نوجوانانی که در فضایی مبتنی بر گفت‌وشنود بالا به‌سر می‌برند، در واقع احساس پذیرش و تحسین بیشتری را از سوی والدین تجربه می‌کنند که این امر افزایش حرمت خود را تسهیل می‌کند. همچنین هنگامی که والدین بر همنوایی بیش از حد تأکید کنند، نوجوان در صورت تخطی از حمایت و پذیرش والدین محروم شده که منجر به کاهش حرمت خود می‌شود. پژوهش گارسیا و گرسیا (۲۰۰۹) در اسپانیا نشان داد، والدینی که سبک رفتاری سهل‌گیر^۱ (پاسخگویی^۲ بالا و طلب‌کنندگی^۳ پایین) دارند، بهینه‌ترین سبک فرزندپروری را به کار گرفته‌اند و فرزندان آنها حرمت خود بالاتری را

همنوابی تأکید دارند، کمتر به گفت‌وشنود اهمیت می‌دهند و کمتر پذیرا و صمیمی هستند. کمرویی یا در واقع مشکل در روابط اجتماعی می‌تواند پیامدهای متعددی داشته باشد. این مسئله در انتخاب دوست و داشتن فعالیت اجتماعی مؤثر است (یونگ، ۱۹۷۱، ماننز، والتینر، اندرسون و باسول، ۲۰۰۶)، همچنین کمرویی منجر به احساس تنهایی می‌شود که این احساس جزو پیش‌بینی‌کننده‌های اضطراب اجتماعی و افسردگی محسوب می‌شود (ماننز و دیگران، ۲۰۰۶). احساس کمرویی در کنش‌وری و سازگاری اجتماعی و علمی دانشجویان نیز تأثیر منفی دارد (کاتز، ۲۰۰۸). همچنین این افراد که نمی‌توانند به راحتی حرف خود را بزنند و عقیده خود را بیان کنند و یا در بسیاری از موقعیتها توان نه گفتن را ندارند با مشکلات و دردهای زیادی رو به رو می‌شوند و گاهی به اجبار، بر خلاف میل و باور خود عمل می‌کنند (جانزر، هور و نارلوک، ۲۰۰۶).

آخرین متغیر شخصیتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، تمایل به مهار بود. نتایج تحلیل همبستگی نشان دادند، جهت‌گیری گفت‌وشنود با تمایل به مهار رابطه مثبت و جهت‌گیری همنوابی با این عامل رابطه منفی دارد. به نظر می‌رسد افراد با گفت‌وشنود بالا دوست دارند در موقعیتها و شرایط مختلف نقش رهبر و تعیین‌کننده را ایفا کنند، زیرا جو گفت‌وشنود در خانواده و اجازه ابراز نظر، در آنان این احساس را تقویت کرده است که می‌توانند بر محیط زندگی بلافاصله خود مسلط شوند و در نهایت این میل مهارگری را به سایر محیطها و ابعاد زندگی نیز گسترش دهند. در مقابل اعتقاد والدین به ضرورت همنوابی بالا در خانواده سبب می‌شود، فرزندان با انصراف از بیان نظرات و عقاید خود مسئولیت را به دیگر افراد خانواده واگذار کنند و آنچه را از سوی والدین تعیین می‌شود، بپذیرند. می‌توان سازه تمایل به مهار را با سازه مسند مهارگری^۴ شبیه دانست. ناردلو (۲۰۰۲)، نشان داد، جهت‌گیری گفت‌وشنود با مسند مهارگری درونی^۵، ساختاری^۶ (عاملهای موقعیتی نیز می‌توانند بر نتیجه تأثیرگذار باشند) و مربوط به دیگری^۷ (رفتارها و

نسبت به والدین طردکننده^۱ (پاسخگویی و طلب‌کنندگی پایین)، مستبد^۲ (پاسخگویی پایین و طلب‌کنندگی بالا) و حتی قاطع^۳ (پاسخگویی و طلب‌کنندگی بالا) گزارش می‌کنند. در واقع بعد پاسخگویی با جهت‌گیری گفت‌وشنود و بعد طلب‌کنندگی با جهت‌گیری همنوابی شبیه است؛ زیرا والدینی که پاسخگو و پذیرنده هستند به فرزندانشان این فرصت را می‌دهند که افکار و عقاید متفاوت با والدین را بیان کنند، در حالی که والدین طلب‌کننده و مهارکننده تمایل دارند همنوابی و یکسانی در افکار و عقاید حفظ شود. پژوهشگران نشان داده‌اند، سطح بالای حرمت خود به شدت با شادی و رضایت از زندگی و سطح پایین حرمت خود با افسردگی، اضطراب و پرخاشگری (مراک، ۱۹۹۵، ۲۰۰۶)، احساس عصبانیت (ارسلان، ۲۰۰۹) و رفتارهای پرخطر (کاواس، ۲۰۰۹) مرتبط است. همچنین بسیاری از مشکلات اجتماعی و شکست در مدرسه نیز از پایین‌بودن سطح حرمت خود ناشی می‌شوند (هارتر، ۱۹۹۳، هارتر و ویتسل، ۲۰۰۳). بنابراین توجه به بعد گفت‌وشنود در محیط خانواده می‌تواند تأثیر مستقیمی بر حرمت خود و به تبع آن کاهش بسیاری از مشکلات شناختی و عاطفی داشته باشد.

دیگر متغیر مرتبط با گفت‌وشنود و همنوابی، کمرویی بود؛ به‌طوریکه خانواده‌هایی که بحث‌وگفتگو در بین اعضای آن وجود نداشت و بر هماهنگی افکار و عقاید فرزندان با والدین تأکید می‌کردند، فرزندان را تربیت می‌کنند که در محیط خارج از خانه نیز در ارتباطهای اجتماعی خود با مشکلاتی مواجه می‌شوند که یکی از آنها احساس کمرویی است. سپوکاس (۲۰۰۷)، معتقد است والدین با میزان پذیرندگی و صمیمیت پایین و مهار بالا، فرزندان مضطرب دارند. از سوی دیگر کمرویی یکی از مولفه‌های اصلی پدیدآورنده اضطراب است (دوبیگین، ۲۰۰۹). بنابراین می‌توان حدس زد والدینی که در روابطشان با فرزندان کمتر پذیرا و صمیمی‌اند و مهارگری بیشتری اعمال می‌کنند، فرزندان کمرویی دارند. به نظر می‌رسد این نوع والدین به دلیل تمایل بالا به مهارگری بیشتر بر

1. neglectful
 2. authoritarian
 3. authoritative

4. locus of control
 5. internal
 6. structural

7. other-owned

گروه نمونه این پژوهش دانشجویان بودند که تا حدودی از خانواده‌هایشان دور بودند لذا پیشنهاد می‌شود این نوع بررسیها در گستره سنی اوایل نوجوانی انجام گیرد و براساس نتایج به دست آمده نکات تربیتی به والدین ارائه شود. همچنین در پژوهشهای گسترده‌تر می‌توان اثر الگوهای ارتباطی بر متغیرهای شخصیتی بیشتری را مورد بررسی قرار داد. در آخر پیشنهاد می‌شود نوع الگوی ارتباطی از دیدگاه والدین نیز مورد سنجش قرار گیرد.

منابع

کوروش‌نیا، م. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز.

کوروش‌نیا، م. و لطیفیان، م. (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۲، ۸۷۵-۸۵۵.

Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55, 469-480.

Arslan, C. (2009). Anger, self-esteem, and perceived social support in adolescence. *Social Behavior and Personality*, 37 (4), 555-564.

Avtgis, T. A., & Kassing, J. W. (2001). Elucidating influences on superior-subordinate communication: Attributional confidence and organizational control expectancies. *Communication Research Reports*, 18, 255-263.

Burger, J. M. (1986). Desire for control and the illusion of control: The effects of familiarity and sequence of outcomes. *Journal of Research in Personality*, 20, 66-76.

Burger, J. M., & Cooper, H. M. (1979). The desirability of control. *Motivation and Emotion*, 3, 381-393.

باورهای دیگران همیشه با خواست ما تغییر نمی‌کند) رابطه مثبت و با منبع مهار هنجاری^۱ (هنجارهای فرهنگی و اجتماعی رفتارها را هدایت می‌کنند) و پدیداری^۲ (وقایع تحت تأثیر شانس رخ می‌دهند و هدایت می‌شوند) رابطه منفی دارد؛ همچنین جهت‌گیری همنوایی نیز با منبع مهارگری پدیداری رابطه مثبت دارد. تمایل به مهار در واقع همان منبع مهارگری درونی است که با گفت‌وشنود رابطه مثبت دارد. در همین راستا اوتگیس و کسینگ (۲۰۰۱)، دریافتند بین منبع مهارگری درونی دانشجویان و رابطه با استادانشان رابطه مثبت وجود دارد. بدین معنا که دانشجویان با جهت‌گیری گفت‌وشنود بالا ارتباط موفق با استادان خود برقرار می‌کنند و برعکس دانشجویان با جهت‌گیری همنوایی ارتباط موفق نخواهند داشت. این فرضیه با یافته قبلی که افراد با همنوایی بالا کم‌روتر هستند مطابق است.

پس به طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد، الگوهای ارتباطی خانواده می‌توانند بر تحول ویژگیهای شخصیتی تأثیرگذار باشند و آن دسته از والدینی که از گفت‌وشنود حمایت می‌کنند و همچنین تأکید سرسختانه‌ای بر همنوایی ندارند، به تحول ویژگیهای مثبت مانند حرمت‌خود، اجتماعی‌بودن و تمایل به مهار خود در فرزندان کمک می‌کنند. این نتایج پیام مهمی را برای خانواده‌ها به همراه دارد؛ براساس یافته‌های پژوهشی خانواده‌هایی که همیشه به علت ترس از انحراف فرزندان و یا شکسته‌شدن حرمت والدین، تأکید بیش از حدی بر همنوایی اعضای خانواده دارند و از ابزار عقاید مخالف جلوگیری می‌کنند، نه تنها مانع بروز مشکلات نمی‌شوند بلکه زمینه‌ساز مشکلات اساسی در آینده خواهند شد. در پژوهش حاضر به دلیل تعداد کم اعضای نمونه تنها دو بعد مورد بررسی قرار گرفت و چهار ریخت الگوی ارتباطی خانواده تفکیک نشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی چهار ریخت خانواده براساس دو بعد گفت‌وشنود و همنوایی انتخاب شده و بررسی شود کدام ریخت از خانواده‌های کثرت‌گرا و توافق‌کننده در ایران عملکرد بهتری دارند.

- nal of Personality*, 71 (6), 1027-1058.
- Huang, L. N. (1999).** Family communication Patterns and personality characteristic. *Communication Quarterly*, 47, 230-243.
- Jantzer, A. M., Hoover, J. H., & Narloch, R. (2006).** The relationship between school-aged bullying and trust, shyness and quality of friendships in young adulthood: A preliminary research note. *School Psychology International*, 27 (2), 146-156.
- Jung, C. G. (1971).** A psychological theory of types. In H. Read, M. Fundham, G. Adler, & W. McGuire (Eds.), *The collected works of C. G. Jung* (Vol. 6, pp. 524-541). Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Katz, S. (2008).** *Individual and environmental factors associated with college adjustment*. Doctoral dissertation, Wayne State University.
- Kavas, A. B. (2009).** Self-esteem and health-risk behaviors among Turkish late adolescents. *Adolescence*, 44, 187-198.
- Koerner, A., & Fitzpatrick, M. A. (2002).** Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook*, 26, 37-69.
- Komaya, M., & Bowyer, J. (2000).** College-educated mothers' ideas about television and their active mediation of viewing by three to five-year-old children: Japan and the USA *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 44 (3), 349-363.
- Liebes, T., & Ribak, R. (1992).** The contribution of family culture to political participation, political outlook, and its reproduction. *Communication Research*, 19(5), 618-642.
- McLeod, J. M., & Chaffee, S. H. (1972).** The construction of social reality. In J. Tedeschi (Ed.), *The*
- Carlson, R. (1980).** Studies of Jungian typology: Representation of the personal world. *Journal of Personality and Social psychology*, 38, 801-810.
- Chaffee, S., McLeod, J., & Wackman, D. (1973).** Family communication patterns and adolescent political participation. In J. Dennis, (Ed.), *Socialization to politics: Selected readings* (pp. 349-364). New York: John Wiley and Sons.
- Cheek, J. M. (1983).** *The Revised Cheek and Buss Shyness Scale*. Wellesley College (Unpublished manuscript).
- Cheek, J. M., & Buss, A. H. (1981).** Shyness and sociability. *Journal of Personality and Social Psychology*, 41, 330-339.
- Cho, C., & Cheon, H. J. (2005).** Children's exposure to negative internet content: Effects of family context. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 49 (4), 488-504.
- Coopersmith, S. (1967).** Parental characteristics related to self-esteem. In *The antecedents of self-esteem* (chap. 6, pp. 96-117). San Francisco: Freeman.
- Coopersmith, S. (2002).** *Self-esteem Inventories Manual*. Mind Garden, Inc.
- Dowbiggin, I. R. (2009).** High anxieties: The social construction of anxiety disorders. *Canadian Journal of Personality*, 54 (7), 429-436.
- Garcia, F., & Gracia, E. (2009).** Is always authoritative optimum parenting style? Evidence from Spanish families. *Adolescence*, 44, 101-131.
- Harter, S. (1993).** Causes and consequences of low self-esteem in children and adolescences. In R. Baumeister (Ed.), *Self-esteem: The puzzle of low self-regard* (pp.87-111). New York: plenum.
- Harter, S., & Whitesell, N. R. (2003).** Situation, whereas others report changes in self-worth. *Jour-*

sity.

Ritchie, L. D., & Fitzpatrick, M. A. (1990). Family communication patterns: Measuring intrapersonal perceptions of interpersonal relationships. *Communication Research*, 17 (4), 523-544.

Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Spokas, M. E. (2007). *Examination of social anxiety and its relation to parenting styles and practices*. Doctoral dissertation, Temple University Graduate Board.

Thorne, A. (1987). The press of personality: Conversation between introverts and extroverts. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 718- 726.

social influence process, (pp. 50-59). Chicago: Aldine-Atherton.

Mounts, N. S., Valentiner, D. P., Anderson, K. L., & Boswell, M. K. (2006). Shyness, sociability, and parental support for the college transition: Relation to adolescents' adjustment. *Journal of Youth and Adolescence*, 35 (1), 71-80.

Mruk, C. (1995). *Self-esteem research, theory and practice*. New York: Springer Publishing Company.

Mruk, C. (2006). *Self-esteem research, theory, and practice: Toward a positive psychology of self-esteem (3rd ed)*. New York: Springer.

Nardello, A. M. (2002). *The relationship between family communication patterns and locus of control*. Master dissertation, West Virginia Univer-